

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۱۶
تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۷

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Examining the Symbolic meaning of Colors in Ancient
Egyptian Painting art and their origin in Environment
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بررسی مفاهیم نمادین رنگ در هنر نقاشی مصر باستان و منشأ آنها در طبیعت پیرامون

مهرداد فروغی*
شهره جوادی**

چکیده

● بیان مسئله

انسان در طول تاریخ، به طرق مختلف از جمله هنر نقاشی به بیان احساسات و ذهنیات خود پرداخته است. در گذر زمان، نقاشی اهداف مختلفی از امری مقدس در انحصار گروهی خاص تا وسیله گذراندن اوقات فراغت برای عموم انسان‌ها داشته است. همچنین نقاشی، حامل مفاهیم واقعی و نمادین بوده است. در برخی موارد واقعیت پیرامون آنچنان که بوده تصویر می‌شده و در سایر موارد تصاویری غیر واقعی با مفاهیمی نمادین تصویر شده است. رنگ از مهم‌ترین عناصر نقاشی است که به شیوه‌های مختلف و در مفاهیم گوناگون به کار گرفته شده است. مصر باستان، از اولین و غنی‌ترین تمدن‌های بشری با انواع آثار از جمله نقاشی‌های فراوان است. برخلاف مطالعات گذشته که صرفاً بر مبنای علم زبان‌شناسی به بررسی مفاهیم و نماد شناسی رنگ در هنر نقاشی مصر پرداخته، این پژوهش با استفاده از تحلیل نقاشی‌ها، مباحث زبان‌شناسی و مفاهیم نمادین عناصر طبیعت به بررسی موضوع پرداخته است.

● هدف

بررسی مفاهیم نمادین رنگ در هنر نقاشی مصر باستان و ریشه‌یابی این مفاهیم است.

● روش پژوهش

باتوجه به حضور خدایان در نقاشی ادوار مختلف تاریخی مصر باستان و همچنین ثبات مفاهیم آنها در طول تاریخ، به بررسی و تحلیل رنگ در تصویر خدایان پرداخته شده و در ادامه به کمک چهار مورد، مفاهیم رنگ‌های اصلی در نقاشی‌ها تحلیل شده است. دستاورد این تحلیل شامل مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌ها، معنی لغوی هر یک از رنگ‌ها و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مصریان باستان، مفاهیم مشابهی مانند مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ در نقاشی‌ها تحلیل شده‌اند.

● نتیجه‌گیری

به کمک یافته‌های پژوهش مفاهیم هر یک از رنگ‌های اصلی در هنر نقاشی مشخص شد و ارتباط آن با طبیعت پیرامون موشکافی شد.

واژگان کلیدی

رنگ، هنر مصر باستان، نقاشی، نمادین.

* کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران mahda.foroughi@ut.ac.ir
** دکتری تاریخ هنر. استادیار گروه معماری مطالعات علی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. پژوهشکده نظر. تهران، ایران. javadi1336@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

رنگ اصلی در نقاشی‌های مصر باستان تشخیص داده شد و به کمک چهار مورد، مفاهیم این رنگ‌ها تحلیل شد. این موارد شامل داده‌های به دست آمده از تحلیل تصاویر خدایان، مهم‌ترین عناصری که در اغلب نقاشی‌ها با رنگ‌های اصلی تصویر شده‌اند، معانی لغات هر یک از رنگ‌ها در زبان مصر باستان و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون مصر باستان می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصر باستان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ که حامل مفاهیم مشابهی هستند را تحلیل کرده‌ایم.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

علیرغم ادعاهای مطرح شده در مطالعات گذشته در خصوص مفاهیم نمادین رنگ‌ها در نقاشی‌های مصر باستان، تعداد محدودی از آنها به بررسی تفصیلی، دسته‌بندی و اثبات این موضوع پرداخته‌اند. در برخی منابع که به بررسی مفاهیم خدایان پرداخته‌اند به طور گذرا مفاهیمی نمادین به هر یک از رنگ‌ها نسبت داده شده ولی دلیلی برای آن آورده نشده است. یکی از جامع‌ترین منابع که بدین شکل به موضوع اشاره داشته است، کتاب «همه خدایان و خدایان مصر باستان» اثر Wilkinson (۲۰۰۳) است که از ادعاهای وی در بخش مطالعات مربوط به خدایان استفاده شده است. سایر منابع تلاش کرده‌اند صرفاً به کمک مباحث زبان‌شناسی، ارتباط میان رنگ‌ها، مفاهیم نمادین و معنای لغات آنها را بیابند. Sapir (۱۹۲۱) با مطرح کردن بحثی مبنی بر وجود ارتباط دوسویه بین زبان و فرهنگ آغازگر روند این تحقیقات بوده است. این مبحث توسط بسیاری از نظریه پردازان توسعه می‌یابد. در سال ۱۹۶۳، Schenkel بیان می‌کند که رنگ‌های سفید، سیاه، سبز و قرمز، چهار رنگ نمادین در نقاشی‌های مصر باستان هستند که در زبان آنها نیز تنها برای این چهار رنگ، لغت وجود داشته است. از نگاه وی همه رنگ‌ها در یکی از این چهار دسته می‌گنجد برای نمونه رنگ آبی همان رنگ سبز است. در سال ۱۹۶۹، Berlin & Kay نظریه رنگ‌های پایه^۱ را مطرح کردند. طبق این نظریه، شناخت رنگ‌ها امری فرهنگی نبوده بلکه مورفولوژیک و جهانی است. از نگاه آنها تعداد رنگ‌های شناخته شده در جوامع تاریخی محدود بوده و قوانین ثابتی برای شناخت رنگ‌ها در جهان وجود دارد. برخی از محققان زبان‌شناسی از جمله Hermann (۱۹۶۹) و Brunner-Traut (۱۹۷۷) معتقدند معنای نمادینی برای رنگ‌ها در نقاشی‌های مصر باستان وجود ندارد و همچنین مخالف نظریه‌های چهار رنگ اصلی اسکنل و رنگ‌های پایه برلین و کی هستند. به روزترین تحقیق در این زمینه مقاله جدید Schenkel (۲۰۰۷) است که ادعای پیشین خود مبنی

مصر باستان، از اولین تمدن‌های بزرگ بشری است که آثار و مدارک بی‌شمار باستان‌شناسی و نقاشی‌های فراوان از آن به جای مانده است. رنگ عنصر جدایی‌ناپذیر در زندگی و به خصوص نقاشی مصریان باستان بوده است. به گونه‌ای که رنگ هر چیز، سرنخ و نشانه وجود حقیقی آن بوده است. برای نمونه وقتی خدای «ر» با پوست آبی ظاهر می‌شود، نشانه جنبه کیهانی اوست. پوست سبز خدای ازیریس، نشانه قدرت او بر زندگی دوباره و رستاخیز است (Wilkinson, 2003). رنگ در نقاشی مصر باستان در بسیاری موارد مفاهیم نمادین دارد. به خصوص وقتی افراد مقدس، اسطوره‌ها و افسانه‌ها نمایش داده می‌شوند. این مفاهیم نمادین از زندگی مردم مصر باستان نشأت گرفته است. در مصر باستان، عناصر طبیعت از جمله رود نیل، طغیان‌های سالیانه آن و آبرفت باقیمانده از آن بر زمین‌های اطراف، زمین‌های حاصلخیز اطراف، خورشید، آسمان و گیاهان، نقش مهمی در زندگی مردم داشته‌اند. مردم به دلایل ترس و احترام نسبت به این عناصر طبیعت، اسطوره‌ها و خدایانی را به آنها نسبت داده‌اند. رنگ و شکل هر خدا متناسب با عناصر طبیعی است که به آن نسبت داده شده و همچنین به نقش آن خدا در زندگی مردم بستگی دارد. به عنوان نمونه، رودخانه نیل از عوامل طبیعی حیات بخش برای مردم مصر بوده است به همین دلیل آنها خدای طغیان‌های سالیانه رود نیل (هپی) را می‌آفرینند و با پوست آبی رنگ، به رنگ رودخانه نیل، به تصویر می‌کشند. هنرمند مصری در آثارش از ۶ رنگ شامل سبز، قرمز، زرد، آبی، سفید و سیاه استفاده کرده است (Schenkel, 2007). رنگ‌ها اغلب از ترکیبات معدنی بوده‌اند و برای همین طراوات و تازگی خود را همچنان حفظ کرده‌اند. همچنین در زبان مصر باستان، چهار رنگ پایه وجود دارد که هر یک معنای منحصر به فردی دارند. برای مثال سبز بودن، به معنی جان تازه گرفتن است. سؤالات تحقیق به شرح زیر است:

مصر باستان، چیست؟
 - چه ارتباطی میان مفهوم نمادین رنگ‌های اصلی استفاده شده در هنر نقاشی مصر باستان و طبیعت پیرامون آن وجود دارد؟
 این تحقیق به روش کیفی انجام شده است. باتوجه به اینکه تصویر خدایان در مصر باستان در اغلب نقاشی‌ها و دوران‌ها حضور داشته و همچنین هریک از آنها، مفاهیم و معانی مشخص و ثابتی داشته‌اند، در این تحقیق برای بررسی مفاهیم نمادین رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان، به بررسی و تحلیل رنگ‌ها در تصویر خدایان مصر باستان پرداخته‌ایم. در ادامه با توجه به مطالب بیان شده در مرور ادبیات، شش

پیرامونشان را به شکل قابل فهم‌تری برای خود تفسیر کرده بودند. چنان که وقوع سیل‌های سالانه رابه خدای هپی نسبت داده و چنین می‌پنداشتند که او با کوزه‌ای از بالا به داخل رود نیل آب می‌ریزد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۶۶). آنها با پرستش این خدایان و برگزاری جشن‌های مذهبی برای آنان، به طریقی با این نیروهای طبیعت ارتباط برقرار کرده و احساس امنیت بیشتری می‌کرده‌اند. در نقاشی‌های مصر باستان، خدایان، نمادین‌ترین موجودات هستند. که نقاشان به کمک ترکیبی از اشکال و رنگ‌های نمادین خدایان را به تصویر کشیده‌اند. بنابراین در هر تصویری مفاهیم نمادین زیادی نهفته است. با توجه به تعدد خدایان مصر، نحوه انتخاب خدایان در این تحقیق بسته به اهمیت و نقش آنها در زندگی مردم صورت گرفته است. از این رو شش خدای مهم که هر یک نقش متفاوتی در زندگی مردم داشته‌اند انتخاب معانی، شمایل و رنگ آنها را بررسی شده است.

● ر (Ra)

لغت رَ یا رع به معنی خورشید در زبان کهن مصر است (Wilkinson, 2003). رَ آفریننده خودش، بقیه جهان و سایر خدایان مصر از نسل او هستند. معمول‌ترین تصویر رَ، مردی با سر شاهین است که دایره‌ای قرمز (سمبل خورشید) روی سرش قرار دارد (Assmann, 2001; Hornung, 1982). در اکثر تصاویر، دور دایره قرمز مار کبری پیچیده شده که Wil-son (۱۹۴۶) (۲۰۰۳) آن را نشان قدرت می‌دانند. رنگ پوست رَ معمولاً به یکی از دو رنگ زیر است: قرمز: نشانه رنگ خورشید و نماد قدرت و پیروزی، آبی: نشانه آسمان و جایگاه رَ و نماد ملکوتی و ماورائی بودن. مصریان باستان معتقد بودند که رَ در آسمان زندگی می‌کند و در طول روز با ارابه اشبه دور آسمان سفر می‌کند (Wilkinson, 2003).

● آنوبیس (Anubis)

در هزاره سوم پیش از میلاد، آنوبیس مهم‌ترین خدای مرگ بوده که به عنوان خدای مومیایی‌ها و موبدان مومیایی کننده ستایش می‌شده است (Holland, 2009; Assmann, 2001). او، مسئول قضاوت مردگان در دنیای دیگر و حفظ تمامیت مردگان در طول انتقال به جهان دیگر است. آنوبیس در اغلب نقاشی‌ها دارای شمایلی با بدن انسان و سر ترکیبی از سگ و گرگ و پوستی سیاه رنگ است. این انتخاب، خود نمایشگر اعتقاد و توجه نقاشان به ارتباط روان و تن موجودات است (Redford, 2002); (Holland, 2009).

● سِخْمِت (Sekhmet)

لغت سِخْمِت در زبان باستانی مصر به معنی قدرتمندترین^۳

بر تشخیص تنها چهار رنگ در مصر باستان را توسعه داده و اظهار می‌کند که اگرچه در زبان مصر باستان تنها چهار رنگ دارای لغت منحصر به فرد هستند ولی رنگ‌های زرد و آبی نیز در نقاشی‌ها تشخیص داده می‌شده‌اند. از دلایلی که اسکنل برای این ادعایش مطرح می‌کند این است که لغت‌هایی مثل لاجورد و طلا علاوه بر مفهوم خود شی، به ترتیب بر مفاهیم رنگ‌های آبی و زرد نیز دلالت دارد و در زبان مصر باستان برای بیان رنگ آبی از جملاتی نظیر «رنگی مانند لاجورد» استفاده شده است. همچنین در این مقاله اسکنل بیان می‌کند که استفاده از رویکرد زبان‌شناسی در بررسی مفاهیم نمادین رنگ‌ها دارای مانع بزرگی است که مانع دستیابی به نتیجه قطعی در این زمینه است. از دیدگاه وی مهم‌ترین عامل در موفقیت مقالات با کمک مباحث زبان‌شناسی، منابع جامع و کامل است که در تحقیقات مورد نظر به دلیل نبود افرادی با زبان اصلی مصر باستان، این تحقیقات به جمع‌بندی مشترک و قطعی نرسیده‌اند. با توجه به اینکه تحقیقات انجام شده به کمک روش‌های زبان‌شناسی با وجود سابقه نسبتاً زیاد به نتیجه مشخصی ختم نشده است، در این مقاله علاوه بر مطالعات زبان‌شناسان از تحلیل نقاشی‌ها و معانی و مفاهیم آنها نیز استفاده شده است. بدین منظور تصویر خدایان را برای بررسی انتخاب کرده‌ایم چرا که این تصاویر در اغلب نقاشی‌ها و دوره‌های تاریخی مصر باستان حضور داشته و همچنین هریک از آنها، مفاهیم و معانی مشخص و ثابتی داشته‌اند. سپس با توجه به مطالب بیان شده در مرور ادبیات، شش رنگ اصلی در نقاشی‌های مصر باستان تشخیص داده شد و به کمک چهار مورد، مفاهیم این رنگ‌ها تحلیل شد. این موارد شامل داده‌های به دست آمده از تحلیل تصاویر خدایان، مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌ها، معنی لغوی هر یک از رنگ‌ها در زبان مصر باستان و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون مصر باستان می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، با توجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصر باستان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ را تحلیل کرده‌ایم که حامل مفاهیم مشابهی هستند. لذا در ادامه مفاهیم بیان شده درباره تصاویر خدایان به همراه رنگ آنها بررسی شده است.

رنگ و شمایل خدایان مصر باستان

مردم مصر باستان به عینیت بخشیدن به تمام پدیده‌ها به ویژه نیروهای منظم طبیعی مؤثر در زندگی‌شان تمایل داشته‌اند چراکه از یکسو دلیل نظم طبیعت و نیروهای آن برای مردم پنهان بوده و از سوی دیگر، زندگی آنها به این نیروها وابسته بوده است و همچنین مردم قدرتی در کنترل آنها نداشتند. آنها با تجسم نیروهای طبیعی به صورت خدایان متعدد جهان

شکم بزرگ و سینه زنان (سمبل فراوانی و توان تغذیه) دیده می‌شود. و اغلب در حال آبیاری گیاهان است یا سینی‌هایی پر از غذاهای گران‌قیمت در دست دارد. این نمادها بیان اهمیت نقش وی در کنترل طغیان رود نیل است. پوست او اغلب آبی رنگ بوده و در برخی نقاشی‌ها دارای خطوطی به شکل موج اب است (Wilkinson, 2003).

باتوجه به مطالب بیان شده مشخص شد که مصریان باستان خدایان خود را با الهام از طبیعت پیرامونشان تجسم کرده و رنگ‌های منسوب به آنها از طبیعت و مفاهیم ناشی از ان نشأت گرفته است. جدول ۱ بیان مطالب فوق است :

روش تحقیق

باتوجه به اینکه تصویر خدایان مصر باستان غالباً در نقاشی دوران مختلف بوده و هریک از آنها، مفاهیم و معانی مشخص و ثابتی داشته‌اند، در این پژوهش برای نمادشناسی رنگ در هنر نقاشی به بررسی و تحلیل رنگ در تصویر پرداخته و در ادامه با توجه به مطالب بیان شده در مرور ادبیات، شش رنگ اصلی در نقاشی‌ها تشخیص داده شد و به کمک چهار مورد، مفاهیم این رنگ‌ها تحلیل شد. این موارد شامل دستاوردهای تحلیل تصاویر خدایان از مهم‌ترین عناصری است که در اغلب نقاشی‌ها با رنگ‌های اصلی تصویر شده‌اند، معانی لغوی هر یک از رنگ‌ها در زبان مصر باستان و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط و منطقه و در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصریان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ که حامل مفاهیم مشابهی هستند را تحلیل کرده‌ایم.

یافته‌های تحقیق

در این بخش با توجه به یافته‌های قسمت قبل و با استفاده از معنای لغوی هر رنگ، مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های

است (Holland, 2009). او خدای وحشی جنگ و خشونت بوده که از دهانش آتش دمیده و از آن به عنوان سلاحی در مقابل دشمنانش استفاده می‌کرده است. مصریان علت بادهای گرم و خشک کویری مصر را نفس سخمت می‌دانستند (Wilkinson, 2003). در نقاشی‌ها او را با بدن انسان و سر شیر درحالی‌که دایره‌های قرمز نماد خورشید بر بالای سرش تصویر شده و رنگ پیراهن او به رنگ قرمز است. بارزترین ویژگی سخمت قدرت و خشونت است که در قالب قدرتمندترین حیوان جنگل و با سرشیر تصویر شده است.

• ازیریس (Osiris)

فرمانروای جهان زیر زمین^۴ و خدای مرگ و ابدیت مصریان است (Assmann, 2001). هر آنچه مربوط به زیر زمین و از جمله حاصلخیزی زمین، در اختیار ازیریس است. بدین ترتیب میزان و کیفیت محصول دهی زمین به خیرخواهی و میل او وابسته است (Redford, 2002; Holland, 2009). او در اکثر کتیبه‌ها با شمایل انسانی کشیده شده و بدنش در پارچه سفید (کفن) مومیایی پیچیده شده است. پوست او به یکی از سه رنگ زیر نقاشی شده است :

- سفید : نشان کفن مردگان که ساکنان جهان تحت حاکمیت ازیریس است.

- سیاه : نشان حاکمیت او بر دنیای پس از مرگ است.

- سبز : رنگ گیاهان و محصولات کشاورزی و نشانه قدرت خدا در حاصلخیزی زمین و پر ثمر بودن کشاورزی است و همچنین به معنای زندگی مجدد.

ازیریس اغلب عصای سر کج (سمبل حاکمیت) و خرمن کوب (سمبل زراعت) در دست دارد (Wilkinson, 2003). این نمادها نیز اهمیت نقش او را در حاکمیت جهان پس از مرگ و همچنین حاصلخیزی زمین را تصدیق می‌کنند.

• هپی (Hapy)

هپی، خدای سیل‌های سالیانه رود نیل است که مردم قوع آن را آمدن هپی^۵ می‌دانند. در نقاشی‌ها اغلب به شکل مردی با

جدول ۱. خدایان برجسته و مهم در مصر باستان، رنگ آنها و مفاهیمی که بر آنها دلالت دارند. مأخذ : نگارندگان.

خدا	نقش خدا در طبیعت	معنی لغت	رنگ پوست	مفاهیم منتسب به هر خدا	شمایل و نمادها
رع	خورشید		قرمز	خدای خدایان: قدرت	قرص خورشید بر سرش و مار کبری به دور آن
آنوبیس	مرگ		سیاه سبز	زندگی در آسمان: ماورایی بودن خدای مومیایی‌ها و مومیایی کنندگان مسئول زندگی مجدد و رستاخیز انسان‌ها	سر شاهین سر شغال
سخمت	جنگ	قدرتمندترین	قرمز	خدای وحشی جنگ و خشونت	قرص خورشید بر سرش و مار کبری به دور آن، سرشیر
ازیریس	مرگ		سیاه سفید سبز	فرمانروای جهان پس از مرگ خدای مردگان که دارای کفن سفید هستند مسئول حاصلخیزی زمین و زندگی مجدد	عصای سرکج تن پوش سفید خرمن کوب
هپی	سیل‌های سالیانه رود نیل		آبی	مسئول سیل‌های سالیانه رود نیل	شکم بزرگ و سینه زنانه

اصلی در نقاشی‌های به جای مانده و عناصر مهم طبیعت در زندگی مردم مصر باستان و رنگ آنها به تحلیل مفهوم نمادین رنگو نمودهای آن در طبیعت پرداخته‌ایم.

رنگ و مفاهیم نمادین آن در هنر مصر باستان

در هنر مصر باستان، رنگ هر چیز، سرنخ و نشانه وجود حقیقی آن بوده است. به جز برخی از کاربردها، استفاده از رنگ در نقاشی جنبه نمادین دارد. باتوجه به تحقیقات Schenkel (۲۰۰۷) و Baines (۱۹۸۵) مشخص شد که هنرمندان مصری در آثارشان از ۶ رنگ سبز، قرمز، زرد، آبی، سفید و سیاه استفاده کرده اند که از این میان به جز رنگ‌های آبی و زرد بقیه در زبان مصری دارای لغت هستند. معنای نمادین هر رنگ و منشأ آن به ترتیب موارد زیر تحلیل شده است :

معنای لغوی رنگ مورد نظر در مهم‌ترین خدایان، عناصر ثابت و شاخص با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌ها و مؤثرترین عناصر طبیعت در زندگی مردم مصر با رنگ مورد بحث :

● رنگ سبز (wadj)

در زبان عامیانه مصر باستان، انجام کار سبز به معنی رونق گرفتن^۶ و تازه بودن^۷ است (Schenkel, 2007). مصریان باستان خدایان متعددی برای وفور محصولات کشاورزی داشتند که مهم‌ترین آنها تانتن و سبک هستند و هر دو پوستی سبز رنگ دارند که نماد رونق کشاورزی و محصولات آن است. ازیریس و آنوبیس نیز در بعضی نقاشی‌ها، با پوستی سبز رنگ کشیده شده‌اند که نمادی از نقش آنها در حاصلخیزی زمین و همچنین زندگی مجدد و رستاخیز است. در اغلب نقاشی‌ها، علاوه بر خدایان با پوست سبز، گیاهان و محصولات کشاورزی با این رنگ نمایش داده شده‌اند. اصلی‌ترین منبع درآمد مردم از طریق کشاورزی و دامداری تأمین می‌شده که هر دو به گیاهان و حاصلخیزی زمین وابسته بوده‌اند. این عناصر سبز طبیعی منبع مؤثر حیات در زندگی مردم بوده‌اند. بدین ترتیب، رونق کشاورزی و پربار شدن درختان، مفهوم زندگی مجدد و همچنین موفقیت و پرباری را برای آنها القا می‌کرده است. بنابراین معنای نمادین رنگ سبز زندگی مجدد و پرباری و موفقیت است.

● رنگ قرمز (desh)

در زبان عامیانه مصر باستان، انجام کار قرمز به معنی خشمگین بودن و پیروزی است (Schenkel, 2007). چنان‌که در بخش پیش نیز گفته شد از میان خدایان مهم مصر باستان سخمت با رنگ قرمز تصویر شده که مفاهیم پیروزی، جنگ و خشونت را به او نسبت می‌دهند. همچنین بر بالای سر رع و سخمت قرص خورشید به رنگ قرمز و چشم خدای خورشید نیز^۸ به این رنگ نمایش داده شده و به طور کلی چشم خدایان را در مواقع عصبانیت و درخشش،

قرمز می‌کشیدند. (Schenkel, 2007) مصریان معتقد بودند که چشم راز سنگ عقیق قرمز ساخته شده است. همچنین در طول جشن‌ها، بدن خود را با قرمز اخراپی می‌پوشاندند. بنابراین رنگ قرمز، نماد خشونت، قدرت و پیروزی بوده که در متون باستانی مصر دلالت بر بیابان و طلا دارد و در این متون بارها جملاتی نظیر رنگ قرمز مانند طلا (یا بیابان) آمده است (Schenkel, 2007). به طور کلی از میان عناصر طبیعی تأثیرگذار بر زندگی مردم مصر، خورشید، بیابان و طلا به رنگ قرمز هستند. هر سه عنصر، جاودان و برتر و همچنین گرمای خورشید و خشکی بیابان احساس خشونت را القا می‌کرده‌اند.

● رنگ سفید (hedj)

در زبان مصر باستان، انجام کار سفید به معنی روشن کردن^۹ و زندگی مجدد^{۱۰} است (Schenkel, 2007). ازیریس، خدای زندگی پس از مرگ اغلب با این رنگ به تصویر کشیده می‌شد. از دیگر کاربردهای نمادین این رنگ که در نقاشی‌ها به وفور دیده می‌شود، می‌توان موارد زیر را نام برد :

- استفاده از صندل سفید در مراسم مقدس

- رنگ سفید عناصر و اشیاء آیینی مانند کاسه‌های تشریفاتی و حتی میزومیایی در ممفیس.

- کفن مومیایی‌ها و همچنین تنپوش مردگان اغلب به رنگ سفید تصویر شده‌اند.

- رنگ «Nefer»، تاج مصر علیا، سفید بوده اگرچه احتمالاً از نی سبز ساخته می‌شده است.

بدین ترتیب رنگ سفید، در مفاهیم زندگی مجدد پس از مرگ و تقدس به کار رفته است. مهم‌ترین عنصر سفید رنگ نزد مصریان روز و روشنایی است. آنان معتقد بودند که زهر روز با ارباب‌اش به دور آسمان سفر می‌کند، شب می‌میرد و به جهان زیر زمین می‌رود تا دوباره کامل شده و در روز بعد مجدد زاده شود. بدین ترتیب روز برای آنها مفهوم زندگی مجدد را دربرداشته است.

● رنگ سیاه (kem)

کار سیاه انجام دادن در زبان مصریان، به معنی زندگی مجدد است (Schenkel, 2007). از میان خدایان، ازیریس، پادشاه زندگی پس از مرگ، «سیاه» نامیده می‌شد. ملکه Ahmose-Nefertari که حامی گورستان بود نیز معمولاً با پوست سیاه و آنوبیس، خدای مومیایی به شکل شغال یا سگ سیاه نشان داده می‌شد، اگرچه شغال و سگ معمولاً قهوه‌ای هستند. نزد مصریان، مفاهیم مرگ و زندگی مجدد از هم مجزا نبوده و این مفاهیم در طول یکدیگر قرار دارند و رنگ سیاه در هر دو مفهوم به کار رفته است. برجسته‌ترین عنصر سیاه رنگ طبیعی از نگاه مردم مصر، شب و آبرفت‌های سالیانه رود نیل است. چنانچه گفته شد، شب برای آنها به مفهوم

بحث

نقاشی‌های مصر باستان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :
۱. نقاشی‌هایی که زندگی روزمره مردم، دامداری، کشاورزی و برداشت محصول را به تصویر می‌کشند.

۲. نقاشی‌هایی که خدایان و افسانه‌های مربوط به آنها را به تصویر می‌کشند.

گروه اول دارای عناصر واقعی و معمولاً اثری از هنر نمادین در آنها دیده نمی‌شود. چنان‌که در تصویر می‌بینید، همه عناصر تصویر از جمله تناسبات، رنگ‌ها و انسان‌ها واقعی هستند. ولی گروه دوم دارای عناصر غیر واقعی زیادی هستند. چنان‌که در این تصویر، رنگ‌ها، تناسبات و عناصر ترکیبی از واقعیت و خیال است و بسیاری از عناصر به کار گرفته شده در تصویر، مفاهیم نمادین دارند.

طبق بخش‌های قبلی تحقیق مؤثرترین عناصر طبیعت بر زندگی مصریان باستان مشخص شد. همچنین دریافتیم که آنان با توجه به احترام و ترس از این عناصر طبیعت، خدا یا اسطوره‌هایی را خلق کرده که این عناصر طبیعت را کنترل می‌کنند. در جدول ۲، نمود هر رنگ در طبیعت، موارد کاربرد، معنی لغوی، سنگ نماد هر رنگ و مفاهیم نمادین آن را که در بخش‌های پیشین بحث شد اجمالاً نشان داده‌ایم.

تحلیل تصاویر

در این بخش برای تصدیق ادعاهای خود در بخش‌های پیش، به تحلیل رنگ در نقاشی‌ها با موضوعی مشابه می‌پردازیم. مهم‌ترین مفهوم در زندگی مصریان زندگی پس از مرگ بوده که از نمودهای این مسئله، برتری معماری مقابر بر معماری کاخ و خانه‌ها است. همچنین بسیاری از نقاشی با موضوع مرگ و زندگی پس از مرگ است. به همین علت تصاویر با این موضوع را برای بررسی مفهوم رنگ در آنها انتخاب کرده‌ایم.

مراسم مومیایی کردن و عزاداری

تصاویر زیر، نقاشی‌های مختلفی از مراسم مومیایی کردن در دوره‌های مختلف مصر باستان است. رنگ غالب و مشترک این نقاشی‌ها، سفید، طلایی و سیاه است که به جاودانگی و زندگی پس از مرگ اشاره دارند. سر سیاه آنوبیس و استخوان‌های طلایی مومیایی از عناصر ثابت این تصاویر هستند که به ترتیب به معانی مرگ و جاودانگی اشاره دارند. در تصویر زیر، دیده می‌شود که رنگ پوست مومیایی و آنوبیس، که هر دو موجودات الهی هستند، طلایی رنگ است درحالی‌که رنگ پوست کاهنان و زنان عزادار، قهوه‌ای و صورتی رنگ پریده انسانی است. چنان‌که در پیشینه تحقیق نیز گفته شد طلایی و زرد، نماد جاودانگی است و

مرگ ر برای زندگی مجدد وی در طلوع روز بعد است. مردم مصر آبرفت‌های به جای مانده از سیل سالیانه زمین را دوباره حاصلخیز کرده و موجب رونق مجدد کشاورزی می‌شده است. به همین علت مفهوم زندگی مجدد را در خود داشته است.

● رنگ زرد

باتوجه به آنچه در پیشینه تحقیق گفته شد در اینکه مردم مصر رنگ زرد را از رنگ قرمز تمیز می‌داده‌اند یا خیر تردید زیادی وجود دارد چنانچه لغتی برای این رنگ ندارند و همچنین بیابان، طلا و خورشید را قرمز رنگ می‌دانستند. با این حال باتوجه به تحقیقات (Schenkel, 2007) و Baines (۱۹۸۵) مبنی بر تمایز این رنگ از قرمز در نقاشی از نگاه مردم مصر، در این مقاله این رنگ را به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم. مصریان باستان، معتقد بودند که پوست و استخوان خدایان از طلا ساخته شده است. بنابراین مجسمه‌های خدایان و ماسک مومیایی‌ها اغلب از طلا ساخته می‌شدند یا با طلا آبه کاری می‌شدند. شاخصترین عناصری که در نقاشی‌های مصر باستان، زرد رنگ کشیده می‌شدند، استخوان خدایان مومیایی شده است. همچنین زمینه بسیاری از نقاشی‌ها به ویژه آنهایی که به زندگی پس از مرگ مربوط است، با این رنگ تصویر شده است که مفهوم کیفیت فناپذیری دنیای پس از مرگ را می‌رساند چراکه از نگاه مردم دنیای پس از مرگ به جهت جاودان بودن، نسبت به این جهان برتری دارد. از میان عناصر طبیعت، خورشید و طلا، هر دو به رنگ زرد بوده و دارای مشخصات فناپذیری و جاودانگی هستند.

● رنگ آبی

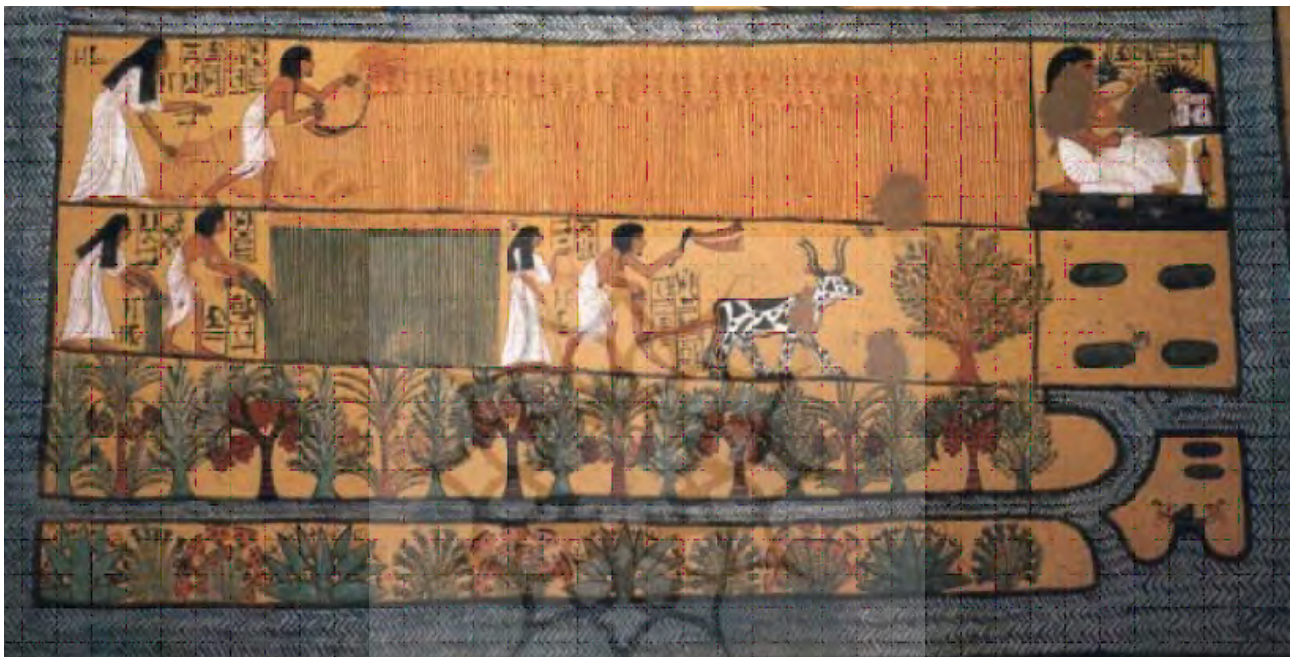
تمایز رنگ آبی از سبز در نگاه مردم مصر باستان مانند رنگ زرد تردید وجود دارد ولی باتوجه به وجود عناصری ثابت با این رنگ در نقاشیو دیدگاه (Schenkel, 2007).

Baines (۱۹۸۵)، در این مقاله به بررسی این رنگ پرداخته‌ایم. از میان مهم‌ترین خدایان مصر، هپی، خدای سیل‌های سالیانه به رنگ آبی تصویر شده است. در برخی از این نقاشی‌ها، خطوطی به شکل امواج آب نیز بر پوست او دیده می‌شود. چهره ر نیز اغلب با سر شاهین و به رنگ آبی است که نماد نقش او در خلقت جهان و جایگاه آسمانی و ماورائی او بوده است. مصریان معتقد بودند که موی خدایان از سنگ آبی رنگ لاجورد است به همین علت موهای خدایان را به رنگ آبی می‌کشیدند. بنابراین رنگ آبی مفاهیم رود نیل و ماورائی بودن را در خود داشته است. مؤثرترین عناصر طبیعی آبی رنگ در زندگی مصریان، آسمان و رود نیل است. آسمان جایگاه ر و فضایی ماورائی و ملکوتی و رود نیل منشأ حیات و زندگی و عامل رونق کشاورزی آنها بوده است. از این رو آبی نشانه رود نیل و پرآب بودن آن و همچنین ماورائی و ملکوتی بودن است.

داوری پس از مرگ

تصویر زیر، زندگی پس از مرگ و روز قضاوت را نشان می‌دهد. از پریس در سمت راست تصویر، بر تخت قضاوت نشسته است و آنوبیس در سمت راست تصویر در حال قضاوت مردگان است. رنگ زمینه در تصویر فوق زرد است که مفهوم دنیای جاودان پس از مرگ را می‌رساند. در این تصویر، خدایان پوستی طلایی، سفید یا سبز دارند ولی مردم عادی، پوستی قرمز رنگ دارند و لباس سفید به تن کرده‌اند. رنگ

در این تصویر استفاده از این مفهوم رنگ زرد دیده می‌شود. همچنین موی آنوبیس و مومیایی آبی رنگ است که سمبل کیهانی بودن آنان است. لباس زنان عزادار و کاهنان، سفید رنگ است که نماد اجرای مراسمی آیینی و مقدس است. در تصویر زیر نیز، استخوان‌های طلایی رنگ مومیایی و موهای آبی رنگ خدایان دیده می‌شود. رنگ غالب در تصویر زیر، سیاه، سفید و طلایی است که در تمامی تصویر دیده می‌شود.



تصویر ۱. نمایش زندگی روزمره، مردم در حال کشاورزی. در این تصویر، رنگ‌ها، تناسبات و عناصر همه مطابق با واقعیت هستند و اثری از عناصر نمادین دیده نمی‌شود. مأخذ: Marie & Hagen, 1999: 171



تصویر ۲: تصویر زندگی پس از مرگ و قضاوت مردگان توسط ازیریس. در این تصویر، رنگ‌ها، تناسبات و عناصر ترکیبی از واقعیت و خیال است و بسیاری از عناصر به کار گرفته شده در تصویر، مفاهیم نمادین دارند. مأخذ: <http://www.crystalinks.comegyptart.html>

جدول ۲. رنگ‌های اصلی به کار گرفته شده در هنر نقاشی مصر باستان و نموده‌های آنها در طبیعت و هنر. مأخذ: نگارندگان.

رنگ	نمود رنگ در طبیعت	خدا	معنی فعل، لغت	سنگ	سمبل
سبز	گیاهان و محصولات کشاورزی	ازیریس، سبک، تانتن	تازه بودن، رونق گرفتن	فیروزه ^{۱۱}	زندگی مجدد، رونق و موفقیت
قرمز	خورشید، بیابان و طلا	ر، سخمت	خشم، پیروزی	عقیق ^{۱۲}	قدرت، پیروزی، خشونت
سفید	روز، نور خورشید	ازیریس	رستاخیز، روشن کردن	—	رستاخیز، تقدس
سیاه	آبرفت، شب	آنوبیس، ازیریس	زندگی مجدد	—	مرگ، رستاخیز
زرد	خورشید، طلا	استخوان خدایان	—	—	جاودانگی و ابدیت
آبی	رود نیل، آسمان	هپی، ر، موی خدایان	—	لاجورد ^{۱۳}	بهشت، ملکوتی بودن، طغیان سالیانه رود نیل

تصویر ۳. آنوبیس در حال مومیایی کردن یکی از فراعنه مصر. مأخذ: Oakes & Gahlin, 2003: 419



تصویر ۴. مراسم مومیایی کردن یکی از فراعنه توسط آنوبیس. در تصویر، استخوان‌های طلایی رنگ مومیایی و موهای آبی رنگ خدایان دیده می‌شود.

مأخذ: <http://www.robinurton.com/history/ancient-egypt.htm>



خدایان مطابق مطالب بیان شده، نماد زندگی مجدد ولی رنگ پوست انسان‌ها مفهوم نمادین ندارد چنان‌که در همه تصاویر، رنگ پوست انسان‌های معمولی به رنگ قرمز یا صورتی به ترتیب برای مردان و زنان نقاشی شده است. و لباس انسان‌ها نیز سفید است.

تصویر ۵. مراسم مویایی کردن یکی از فراعنه توسط آنوبیس.
 مأخذ: Marie & Hagen, 1999:140



تصویر ۶. وزن کردن قلب انسان‌ها در داوری پس از مرگ. مأخذ: Oakes & Gahlin, 2003: 395

نتیجه گیری

مردم مصر باستان در عینیت‌بخشیدن به تمام پدیده‌ها به ویژه نیروهای منظم طبیعی مؤثر در زندگیشان تمایل داشته‌اند چراکه از یکسو دلیل نظم طبیعت و نیروهای آن برای مردم پنهان بود و از سوی دیگر، زندگی آنها به این نیروها وابسته و همچنین مردم قدرتی در کنترل آنها نداشتند. آنان با تجسم نیروهای طبیعی به صورت خدایان متعدد جهان پیرامونشان را به شکل قابل فهم‌تری برای خود تفسیر کرده بودند. بدین ترتیب رنگ‌های منسوب به خدایان از طبیعت و مفاهیم نهفته در آن منشأ گرفته است. همچنین فهم رنگ‌ها بخشی از فهم طبیعت است بنابراین عناصر طبیعی با رنگ‌هایی بارز که بر زندگی مردم مصر مؤثر بوده، عامل شکل‌گیری نمادهای رنگی هستند. طبق مطالب بیان شده، نقاشان از شش رنگ اصلی برای بیان افکار و باورهای خود استفاده می‌کردند که نمادشناسی رنگ و منشأ طبیعی آنها در ذیل آمده است: رنگ آبی از آسمان و رود نیل نشأت گرفته که مفاهیم ماورائی بودن و پرآبی رود نیل را می‌رساند. رنگ سبز، نشان گیاهان و محصولات کشاورزی است و نماد زندگی مجدد و رونق کشاورزی در نقاشی‌های مصر باستان است. رنگ قرمز منسوب به خورشید، طلا و بیابان و نشان قدرت، پیروزی و خشونت است. رنگ سفید، رنگ روز و نور خورشید که نماد زندگی پس از مرگ و تقدس، پاکی و خلوص است. رنگ سیاه، رنگ

آبرفت‌های باقی مانده از طغیان‌های سالیانه رود نیل و شب و سمبل زندگی مجدد است. رنگ زرد را رنگ خورشید و طلا و نشان جاودانگی می‌دانند. بنابراین به طور کلی، خورشید، رود نیل، آبرفت، محصولات کشاورزی، شب و آسمان، مهم‌ترین عناصر طبیعت برای مردمان مصر باستان بوده که منشأ مفاهیم نمادین رنگ‌ها در نقاشی مردم این سرزمین بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. BCT: Base Color Term
۲. Lapis lazuli-like
۳. the powerful one
۴. Daut
۵. The arrival of Hapy
۶. to prosper
۷. to be fresh
۸. Eye of Re
۹. to shine
۱۰. to become bright, dawn
۱۱. turquoise
۱۲. carnelian
۱۳. Lapis lazuli

فهرست منابع

- Assmann, J. (2001). *The Search for God in Ancient Egypt*. Translated by Lorton, D. Ithaca: Cornell University Press.
- Holland, G. & Holland, S. (2009). *Gods in the Desert: Religions of the Ancient Near East*. Plymouth: Rowman & Littlefield Publishers.
- Hornung, E. (1982). *Conceptions of God in Ancient Egypt: The One and the Many*. Translated by Baines, J. Ithaca: Cornell University Press.
- Redford, D. B. (ed.). (2002). *The Ancient Gods Speak: A Guide to Egyptian Religion*. Oxford: Oxford University Press.
- Schenkel, W. (2007). Die Farben in agyptischer Kunst and Sprache. *Zeitschrift fur agyptische Sprache und Alterumskunde*, (88): 131-147.
- Wilkinson, R. H. (2003). *The Complete Gods and Goddesses of Ancient Egypt*. London: Thames and Hudson.